



از : محمد جناب زاده

نظری بمقاله گذشته آقای دکتر جوان :

محکم چیست ؟

متشابه کدام است ؟

در شماره یکم فروردین سال جاری مجله گرامی مهر شرحی زیر عنوان (آیات متشابهات) درج شده بود که از جهاتی طبق اصول و قواعدی که برای استنباط احکام شرعی از ادله تفصیلیه موجود است موافقت ندارد و درخور بررسی و تأمل دقیق میباشد. راقم سطور در شماره مسطور در شماره مزبور، بعد از توضیح و تبیین کوتاهی درباره آیات محکومات و متشابهات قرآن مجید در ذیل آیه وافی هدایه هو الذی انزل علیک الکتاب منه آیات محکومات هن ام الکتاب و آخر متشابهات اشعار داشته اند که : فقهاء عظام لفظ متشابه را با لفظ شبهه بمعنی تردید از یک ریشه پنداشته اند و از این جهت متشابهات را بمعنی مجملات و محتملات و شبهات تعبیر کرده اند و حال اینکه چنین تعبیر درست نیست زیرا لفظ شبهات از لفظ شبهه اشتقاق یافته، اما متشابهات از الفاظ تشبیه و شباهت بمعنی میل و مانند ریشه گرفته و از این جهت است که هر کدام از آیات متشابهات مصادیق متعدد را دارا شده اند و این مصادیق در مفهوم و معنی بیکدیگر شباهت دارند و از حکم واحد تبعیت می نمایند در بند دوم و سوم این موضوع کلمه بعضی را بر (فقهاء) اضافه فرموده اند که دلیل توجه ایشان بعدم شمول عمومیت مطلق جمله (چنین تعبیر درست نیست) درباره عامه فقهاء است .

تأمل و دقتی که باید بکار رود از نظر اهمیت موضوع و اثری است که روی مغز خوانندگان مقاله مزبور باقی می گذارد و هدف نگارنده جوابگوئی یا انتقاد بمعنی مصطلح در اذهان عموم نیست، بلکه از این نظر است که در یک مجله علمی و عرفانی مانند (مهر) بایستی توجه فرهنگ پژوهان بمقاید و نظرات گوناگون معطوف شود، زیرا علاوه بر آنکه موضوع بحث نویسنده محترم علمی است از لحاظ موازین دینی کمال دقت و توجه را لازم دارد .

فقه اسلامی در قرون متمادی و از منته متوالی مورد بررسی هزاران محقق و دانشمندان

متفکر و تیزبین از قاره هند در آسیا، تاشبه جزیره ایبری (اسپانیا و پرتغال) در اروپا و همه کشورهای اسلامی مصر و تونس و الجزایر و مراکش قرار گرفته و نود درصد آن محققان و مفسران و فقیهان ایرانی بوده اند و با توجه به مجموع مبادی و مآخذ احکام شرعیه ؛ کتاب ، سنت ، اجماع ، عقل و بحث در الفاظ و احیاناً قیاس و استحسان ، اجتهاد و تقلید، تعادل و تعارض و تراجم در معانی و مفاهیم با استخراج حکم کوشا بودند و تسلط کامل به لغات عرب و صرف و نحو داشتند و از عادات و سنت های عهد جاهلیت و امام سالفه و همچنین از ادیان آسمانی و عقاید عرفانی خیر داشتند و در صدور حکم و فتوی و اظهار نظر بینهایت دقیق و هر چند عموم آنها بدرجه اجتهاد رسیده و جامع المعقول و المنقول بشمار می آمدند ، اما در بیان حکم محتاط بودند .

سالها وقت و فرصت و دقت می خواهد که با جاذبه ذوق و عشق و قریحه و استعداد بتوان جامع و آگاه از مبادی مذهب شد - اینجا دیگر موضوع شعر و ادب و فلسفه نیست که بتوان از چهارچوب قوانین اصولی و قواعد عروضی گام فراتر نهاد و هر چه بزبان و قلم آمد گفت و نوشت .

برای فهم آیات محکمت و متشابهات و بیان معانی و مفاهیم آنها رعایت احتیاط و رسوخ در علوم تأکید شده . قوله تعالی : **فاما الذین فی قلوبهم زبغ فیتبعون ما تشابه منه ابتغاء الفتنة وابتغاء تاویلہ وما یعلم تاویلہ الا اللہ و الراستخون فی العلم - الخ** . مفهوم آیه مبارکه این است - اوست خدائی که قرآن را بتو فرستاد که برخی از آن کتاب آیات محکم است که آنها اصل و مرجع سایر آیات کتاب خواهد بود و برخی دیگر آیاتی است متشابه تا آنکه گروهی که در دلشان میل بیناطل است از پی متشابه رفته تا بتأویل کردن آن در دین راه شبه و فتنه گری پدید آرند در صورتیکه تأویل آن کسی جز خدا نداند و آنانکه در دانش و بینش گرانمایه هستند گویند همه کتاب محکم و متشابه آن از جانب پروردگار آمده - بنا بر این تأویل احکام هم در صلاحیت رسول خدا (ص) است که از جانب آفریدگار برگزیده شده و از این لحاظ تفسیر قرآن باید مستند به قول پیامبر و ائمه هدی باشد و بس .

ابوالفتوح رازی قدس سره گوید : **معانی و تفسیر قرآن بر چهار وجه است نخست کلمه معانی آنرا جز خدا کسی نداند زیرا مصلحت و حکمت الهی چنین است مانند : ویسئلونک عن الروح قل الروح من امر ربی که شناسائی کامل روان برای انسان نا مقدور است و همچنین هنگام پایان جهان - قیامت و روز رستاخیز - ویسئلونک عن الساعة ایان هر سیرها قل انما علمها عند ربی لایجلیهما لوقتہما الا هو و قسم دوم آنست که ظاهر لفظ او مطابق معنی او باشد و در لغت عرب آنرا محکم خوانند مثل قل هو اللہ احد - ولاتقروا مال الیتیم و بیشتر آیات قرآن محکم است هر چند از نظر معنی همه آیات در شمار محکمت بحساب می آیند .**

قسم سوم آنکه بظاهر آیه مراد معلوم نشود که آنرا مجمل خوانند ، قوله تعالی : **واتوا الزکوة و اقیمو الصلوة - ولله علی الناس حج البیت که از ظاهر آیات تفصیل نماز و کیفیت آن و احوال زکوة و کمیت آن و اعمال حج و احکام آن را شارح بیان فرموده است**

بقیه از صفحه ۳۵

قسم چهارم آنست که لفظش مشترك بود میان دو معنی یا بیشتر، این قسم را متشابه خوانند که مصادیق عدیده پیدا میکند و از این لحاظ آنرا محتملات هم نامیده اند اما مراد وقتی مصداق دارد که منصوص از جانب پیامبر اکرم (ص) یا از ائمه هدی که قول ایشان حجت است در دین. محکومات قرآن عبارتند از: حدود و احکام و فرائض و حلال و حرام اینک برای روشنی و آشنائی کامل و اینکه دانسته شود دقت کافی در تفسیر و مفاهیم آیات تنزیل لازم است باید به حدیث نبوی (ص) توجه نمود: **من فسر القرآن برایه و اصاب الحق فقد اخطا** بنا بر این وجوه احتمالی و برتری یکی از آنها باید مستند بحدیث و خبر باشد و این اصل در قوانین اساسی همه ملل محفوظ است که تفسیر قانون از وظائف خاص قانونگذار است و این حق را برای قانونگذاران محفوظ داشته اند در صورتیکه در هر اجتماعی دانا یان قوانین و علم حقوق بسیارند - علاوه بر این قواعد و اصولی موجود است که میتوان آنها را میزان پذیرش دو مفهوم مختلف از جهت صفات ممتاز و شباهت قرارداد اما اینکه آیات متشابهات را تخصیص با حکام معاملات و معاشی مردم بدهیم و بیان اصولیین را در تعریف متشابه که گفته اند .

فالمتشابه هو الذی لا یقین المراد من لفظه کافی ندانیم قابل تأمل است . و در باره متشابهات گفته اند: **یشبه بعضه بعضا فی الاحکام و الاعجاز** یا آنکه مراد در او مشتبیه باشد و معنی اشتباه بخود گیرد و یا متشابه امثال و مواعظ است و بقولی متشابه آن بود که تاویل آنرا جز خدا یا تعالی نداند مانند حوادثی که در آینده رخ میدهد و هر کس کی میاید و کی می رود؟ سخن بسیار گفته اند و جمعی بر آنند که معنی متشابه را با اندیشه فراوان باید دریافت و آیاتی در قرآن وجود دارد که محکم و متشابه با هم ترکیب میباشند و بهری از آنها محکم و بهری متشابهند **لا شتباه بعضها ببعض علی القاری حفظا** و برخی هم حروف تهجی را که در اوائل بعضی سوره ها هستند مانند (الم - المص - الر - که بعض و غیره) بعنوان تشابه متشابه شناخته اند ولی شرط احتیاط آنست که جانبداری از یک رأی خالص نشود و متشابهات را محصور در امر معاشی مردم ندانند . در هر بحث علمی باید اصطلاحات خاص آن علم در نظر آید بنا بر این دانستن معانی مختلفه یک لفظ ضروری است که در مقام حقیقت و مجاز مفاهیم آن در عبارت ظاهر شود... **فقه در لغت بمعنای فهم است** اما در اصطلاح علم با حکام شرعیه میباشد. **شرع در لغت بمعنی بیان است** اما در اصطلاح عبارت از احکامی است که از جانب خداوند تعالی بر پیامبران نازل شده. **دین در لغت بمعنی جزا و پاداش است** ولی **دین در اصطلاح اعتقاد و ایمان و پیروی از شریعتی میباشد**. **قضا** چند معنی دارد از آن جمله است **قضی** یعنی وصیت و سفارش کردن (**وقضی ربك الاتعبدوا الا اياه**) خداوند در این آیه سفارش کرد که بغیر از ذات او دیگری را مورد پرستش قرار ندهید و در سوره قصص میفرماید **اذ قضینا الی موسی الامر بمعنی** بموسی سفارش کردیم که بر سالت و پیامبری بسوی فرعون رهسپار شود . **قضینا بمعنی** «اخبارنا» آمده. از جمله معانی قضی فراغت از کار است - **فاذا قضیت الصلوة فانتشروا فی الارض** چون نماز جمعه ، گزارده شد، آنکاء پراکنده شوید در روی زمین و فضل خدا را برای طلب روزی بجوئید

در سوره هود فرماید **و غیض الماء وقضی الامر** که حکایت از طوفان نوح است، یعنی آب کم شد و گزارده شد کاری را که خدا خواسته بود یعنی تمام شد **وقضی** در سوره مریم (ع) (وکان امر مقضیا) در امر ولادت عیسی (ع) که بدون پدر متولد شد، معنی تقدیر میدهد که در لوح محفوظ نکاشته شده بود - (اقض) فعل امر است **فاقض** یا **انت قاض** امر ما را بموقع اجرا بگذار - **ضلال** در کتاب خدا بچند معنی آمده یکی بمعنی محبت و دیگر حیرت است **انک لقی ضلالک القدیم** آیه ۹۴ سوره یوسف است که برادران او به یعقوب میگویند توهنوز در شوق و محبت قدیمت نسبت بیوسف باقی هستی - **ضلال** بمعنی باطل آمده **اضل اعمالهم** - **اضل** سبب لاضلال بمعنی نسیان آمده **ان تضل احدیهم افتد کر الاخری** اگر یکی را فراموش کند دیگری را بیاد او آور .

حق، در کتاب معنی قرآن و اسلام را میدهد **قد کذبو بالحق لما جاءهم** (یعنی کذبوا بالقرآن) **قل جاء الحق وزهق الباطل** که غرض ظهور دین مبین حضرت خاتم النبیین است. بنا براین از ظاهر الفاظ نمیتوان بیبیان معنی پرداخت رسول اکرم (ص) فرمود: **من فسر القرآن برایه فقد افتری علی الله الکذب** هر کس قرآن را بزعم خود تفسیر و معنی کند بر خدا افترا و دروغ بسته است. بنا براین مفسر قرآن یا آیاتی از کلام الله باید جامع معقول و منقول باشد تا بر خلاف تنزیل سخنی بمیان نیاید و تغییر معنی و گمراهی و مزج حق و باطل با هم رخ ندهد و با اصطلاح فقها لیس و اضلال و تخییط حاصل نشود ما ننمایم آیه **واضله الله علی علم** که علم در اینجا معنی عاقبت را میدهد یعنی: آنکه پرو هوی نفس است فرجام کار خود را نمینگرد.

احکام اسلام در عرصه و زمان بامقتضیات عقلی و مدنی بشر سازش دارد اما این سازش عبارت از آن نیست که احکام را با خواسته ها و هوسها مطابقت دهند و نام آنرا عرف و عادت بگذارند بلکه عرف و عادت را باید بامبادی دینی و تعلیم احکام و قوانین و اخلاق دینی بوجود آورد - اگر عرف و عادت را میزان حق و باطل و الهام بخش قوانین بدانیم شاید در شرایع سیاسی مذموم نباشد و بتوان گفت قانون اراده مردم است ولی در دیانت قانون مهبط وحی الهی است. بی پیامبر (ص) که از حیث قوای عقلانی و تزکیه نفس مقام اول را دارد نازل شده **هاکان لرسول ان یاتی بایة الا باذن الله** هیچ پیغامبری نبوده که بی اذن خدا آیه و دستوری صادر کند و بویژه از متابعت هوی و هوس مردم نهی شده **ولئن اتبعت اهواءهم بعد ما جاءهم** **لکمن العلم مالک من الله من ولی ولاواق** (آیه ۳۵ از سوره رعد) که مفاد تنزیل این است که شارع نباید پیرو میل نادانها و خواسته های مخالف اصول و اخلاق مردم باشد.

اما اساسا بنیاد و احکام دین بر فطرت خلق تکوین شده - (اسلام سرشت و خلقت و وجدانیات انسان را پاک میداند) آیه ۲۹ از سوره روم، اسلام روش و دین خدا است که فطرت خلق بر آن آفریده شده **فطرت الله الی فطرت الناس علیها و از این لحاظ آیات خدا غیر قابل تغییر است.** فطرت شیر پاک است و اصل برائت. اما عوامل تعلیم و تربیت - خانواده، محیط، مدرسه روی این پاکی زنکار می بندد حدیث نبوی (ص) است **کل مولود یولد علی الفطرة ثم ابواه یهودانه وینصرانه ویمجسانه** هر مولودی با فطرت بی آرایش بجهان آمده این پدر و مادر و خویشان و عوامل دیگرند که او را براههای دیگر میکشاند.